پيامد هاى انتخابات آمريكا

ابراهيم يزدي

۸۵/۸/۱۹

بعد از ماه ها فعاليت احزاب دوگانه دموكرات و جمهوري خواه، انتخابات امريكا بالاخره برگزار شد و همانطور كه پيش بيني مي شد حزب دموكرات با يك پيروزي چشمگير اكثريت قاطع مجلس نمايندگان، اكثريت نمايندگان سنا و اكثريت فرمانداران ايالات مختلف را به دست آورد. پيروزي حزب دموكرات چه تاثيري در سياست هاي داخلي و خارجي آمريكا، بخصوص در خاورميانه و ايران در پي خواهد داشت؟

۱: اختلاف و تفاوت ميان ديدگاهها و مواضع احزاب جمهوري خواه و دموكرات بيشتر معرف واقعيت تاريخي در تحول سياسي ساختارهاي جمهوري آمريكا در مراحل اوليه بنيان گذاري آن مي باشد و نه اختلاف در جهان بيني و يا سياست هاي كلان اقتصادي، سياسي، فرهنگي و داخلي يا خارجي. ساختار دو مجلس سنا و نمايندگان معرف اختلاف ها و برون رفت از آنها مي باشد.

در دوران اوليه شكل گيري جمهوري آ [illegible] كلنظه با ساختار د [illegible] هور را انتخاب كنند. اين گفتگوها و تقابل ها در نه [illegible] به وجود آيد

دو مجلس : مجلس سنا با دو نماينده از هر ايالت و مجلس نمايندگان به نسبت جمعيت هر ايالت، ثانيا انتخاب رئيس جمهوري، هم با راي مستقيم مردم در سرتاسر آمريكا باشد و هم با راي نمايندگان هر ايالت. علاوه بر اين، هر كانديدايي كه راي اكثريت يك ايالت را كسب مي كند، كل آراي نمايندگان آن ايالت هم به نفع او خواهد بود.

۲: در انتخابات رياست جمهوري و يا مجلس نمايندگان و سنا، هم اقليت هاي قومي، مذهبي- ديني و نژادي و هم نهادهاي قدرتمند نظامي، نفتي تاثير قابل ملاحظه اي دارند.

از اين ميان يهوديان بالاترين سهم در تاثيرگذاري را به خود اختصاص داده اند. سازمان هاي يهودي قدرتمند، نمايندگان مجلس را به شدت در نظر دارند و آنها را بر حسب ر ايي كه به لايحه ها و طرحهاي مربوط به اسراييل داده مي شود بررسي و به آنها نمره مي دهند و بر اساس آن با آنها برخوردهاي سياسي، اقتصادي- مالي و تبليغاتي مثبت و يا منفي مي نمايند.

علاوه بر يهوديان، ميليتاريست ها و شركت هاي نفتي و بانكداران بزرگ نيز نقش تعيين كننده دارند. بودجه ارتش آمريكا بيش از پانصد ميليارد دلار در سال است. اقتصاد برخي از شهرهاي آمريكا به طور كامل و مستقيما به فعاليت كارخانجات توليد تجهيزات نظامي، نظير هواپيما و هليكوپتر و غيره وابسته است. اين كارخانجات طي قراردادهاي ويژه اي نيازهاي ارتش آمريكا را تهيه مي نمايند. صاحبان اين صنايع نقش تعيين كننده در انتخابات را دارند.

گروه سوم اثر گذار در سياست آمريكا، شركت هاي نفتي و بانكداران بزرگ هستند. اين سه گروه نقش كليدي در انتخابات بخصوص انتخاب رئيس جمهور دارند. كانديداهاي آمريكا براي پيروزي در انتخابات، بايد حمايت حداقل دو گروه از سه گروه فوق را داشته باشند. رئيس جمهوري كه بتواند بدون حمايت يهوديان انتخاب شود، مي تواند در برابر فشارهاي يهوديان مقاومت كند و سياست نسبتا مستقل در خاور ميانه و در جنگ ميان اعراب و اسراييل اتخاذ نمايد. اما، غير از يهوديان گروههاي اجتماعي و ديني ديگري هم هستند كه در انتخابات اثرگذارند. به عنوان مثال، در مواردي كه آراي دو رقيب انتخاباتي به هم نزديك باشند، آراي سياهان تعيين كننده مي شود. در سالهاي اخير كه هم جمعيت

مسلمانان آمريكا به سرعت افزايش يافته است و به دومين اقليت ديني بعد از كاتوليك ها رسيده است و هم اينكه مسلمانان به شدت نسبت به رويدادهاي سياسي، فرهنگي و اجتماعي آ مريكا و مكانيزم هاي تاثيرگذاري توجه مي نما يند، مسلمانان نيز نقش تاثيرگذاري پيدا كرده اند. هر يك از سه گروه اصلي، ميليتاريست ها ، نفتي ها- بانكداران و يهوديان و ساير گروهها در تائيد كانديدها و اثرگذاري بر انتخابات، اولويت هاي ويژه خود را دارند. ميليتاريست ها، به دنبال تصويب بودجه هاي كلان نظامي هستند. نفتي ها، دستگاهها و نهادهاي ديپلماسي حكومتي را در خدمت حفظ منافع خود و مهار منابع نفتي جهان مي خواهند. براي يهوديان موجوديت و منافع اسراييل در اولويت اول قرار دارد. براي رنگين پوستان، حقوق مدني- اجتماعي، دسترسي برابر به امكانات و خدمات اقتصادي اهميت اول را دارد. براي مسلمانان آمريكا، هم حقوق مدني سياسي و اجتماعي آنان بخصوص بعد از ۱۱ سپتامبر مطرح است و هم روابط آمريكا با كشورهاي اسلامي بخصوص كشورهاي خاورميانه اهميت دارد. بسياري از نسل اول مهاجرين مسلمان آمريكا اگر چه علايق با وطن اوليه خود را حفظ كرده اند اما به آمريكا به همان اندازه تعلق خاطر دارند كه مهاجرين غير مسلمان. در انتخابات دوره اول رياست جمهوري سال ۲۰۰۱ و رقابت ميان بوش و الگور، مسلمانان از بوش حمايت كردند و به او راي دادند، زيرا اولا بوش بر رعايت مسائل اخلاقي از آن جمله مخالفت با همجنس بازي، سقط جنين و غيره پافشاري مي كرد، ثانيا الگور سناتور ليبرمن را كه يهودي و به شدت هوادار اسراييل است به عنوان معاون خود برگزيده بود. اما، در انتخابات اخير، مسلمانان آمريكا در اعتراض به سياست هاي بوش در خاورميانه، فلسطين، لبنان و سوريه و همچنين بخاطر فشارهاي بي سابقه بر مسلمانان آمريكا، به كانديداهاي حزب دموكرات راي دادند. در اين انتخابات براي اولين بار يك زن حقوقدان مسلمان به عضويت مجلس نمايندگان برگزيده شد.

۳: پيروزي دموكراتها در انتخابات اخير، واكنش مردم به سياست هاي داخلي و مردم خارجي بوش، بخصوص در عراق و افغانستان مي باشد. از مزاياي دموكراسي و انتخابات ادواري اين است كه مردم در يك فرايند آزاد و دموكراتيك نه تنها نظر خود را نسبت به عملكرد حاكمان ابراز مي دارند، بلكه هر كجا ضروري بدانند آنها را قانونمند كرده و يا آرام بركنار مي سازند.

اگر چه مردم آمريكا به شدت و عميقا مذهبي هستند، اما نگرش هاي تند، واپسگرانه و افراطي نظير ديدگاهاي نيوكانها – محافظه كاران جديد- در مسائل داخلي و خارجي را نمي پسندند. نيو كانها در انتظار عيسي مسيح روزشماري مي كنند. به باور اينان عيسي مسيح شش ماه پس از آنكه اسراييل همسايگان عرب خود را شكست دهد و از بين ببرد ظهور مي كند. بنابر اين، وظيفه شرعي دولت و مسيحيان را حمايت از اسراييل مي دانند، تا مقدمات ظهور مسيح فراهم گردد. بوش با آراي اين گروه از دين باوران كه در كليسا نفوذ بسياري داشتند و دارند برگزيده شد. بر اساس تاريخ شكل گيري جموري فدرال آمريكا، اكثريت آمريكائيان گرايش دولت به يك دين و يا ايدئولوژيك شدن دولت را بر نمي تابند. علاوه بر اين، دولت بوش به بهانه فاجعه ۱۱ سپتامبر، شرايط امنيتي شديدي را بر مردم آمريكا به طور عام و براي مسلمانان بطور خاص ايجاد كرده است. بعد از ۱۱ سپتامبر نهاد جديدي وزارت امنيت داخلي با اختيارات وسيعي در بازداشت، بازجويي از مظنونين مرتبط با تروريست ها بوجود آمد. سازمانهاي حقوق بشر و حقوق مدني به اين سياست ها و رفتارها بشدت اعتراض كردند. اقدامات امنيتي در فرودگاه ها، برنامه پروازهاي داخلي به آمريكا را به شدت مختل ساخته است. اما نبايد چنين تصور كرد كه علت اصلي فشارهاي امنيتي، حادثه ۱۱ سپتامبر بوده است. نگرش هاي امنيتي و تمايل به ايجاد محدوديت هاي مدني در ميان جمهوري خواهان سابقه دارد. در دوران رياست جمهوري نيكسون نيز موضوعاتي از اين دست مطرح شده بود. او در صدد ايجاد گارد رياست جمهوري بود و به همين دليل مطبوعات آن زمان آمريكا به وي لقب "كينگ نيكسون" داده بودند. يكي از دلايل اعتراض به نيكسون كه موجب استعفاي او نيز شد آن بود كه وي از مامورين سازمان سيا براي جمع آوري مدارك بر عليه مخالفينش نه تنها در واتر

گيت بلكه در ساير موارد استفاده كرده بود. سياست خارجي دولت بوش، به ويژه حمله نظامي به افغانستان و عراق به شدت مورد اعتراض مردم آمريكا است. اين اعتراض در مورد عراق به مراتب شديدتر است. زيرا، آمريكا و انگليس با اين ادعا كه عراق سلاحهاي كشتار جمعي از جمله سلاح هسته اي مجهز است به عراق حمله كردند. اما بعد از سقوط صدام و اشغال كامل عراق، هيچ نشانه اي از ادعاهاي خود نيافتند. بعد از ۱۱ سپتامبر و امتناع طالبان از تحويل بن لادن رهبر القاعده به آمريكا، با حمله نظامي آمريكا به افغانستان و سقوط دولت طالبان و سپس حمله نظامي به عراق و سقوط صدام، ناگهان محبوبيت بوش به بالاترين سطح در تاريخ روساي جمهوري آمريكا رسيد. اما به رغم سقوط صدام و بازداشت و محاكمه وي، يك جنگ شورش گري تمام عيار در عراق و افزايش روزافزون تلفات سربازان آمريكائي در اين كشور، مردم آمريكا را به شدت عليه دولت بوش تحريك و بسيج كرده است. ناتواني ارتش قدرتمند آمريكا در مهار شورش گري در عراق، خاطرات تلخ و آزاردهنده جنگ ويتنام را از سطح ناخودآگاه جمعي جامعه آمريكا به سطح آگاه آورده و نگراني هاي فراواني را سبب شده است. تلفات بيش از ششصد هزار نفر غير نظاميان در عراق ، رفتارهاي خشن ماموران آمريكائي در بازداشتگاه گوانتوناموكوبا و زندان ابوغريب بغداد، همه دست به دست هم داده و موجي از اعتراض هاي مردمي عليه اين جنگ را نه تنها در آمريكا بلكه در سرتاسر جهان موجب شده است.

انتخابات اخير و راي مردم آمريكا، در واقع يك رفراندوم در عدم تائيد سياست هاي بوش محسوب مي شود. مسائل افغانستان و عراق، انتشار اخبار و عكس هاي زندانها، فشارهاي امنيتي و نقض حقوق مدني مردمان، به تدريج محبوبيت بوش را به پايين تر ين سطح كاهش داده است. دستگيري صدام و محاكمه وي گرچه به بهبود موفقيت بوش در ميان مردم كمك كرد، اما حكم محكوميت صدام هم نتوانست تغيير اساسي در قضاوت مردم به وجود آورد.

۴: اگر چه دموكراتها پيروز شده اند، اما اين پيروزي تاثير فوري تعيين كننده چنداني در مسائل داخلي و خارجي آمريكا نخواهد داشت، زيرا، رياست جمهوري هنوز در دست جمهوري خواهان و بوش است كه مي تواند مصوبات مجلس سنا و نمايندگان را وتو كند كه در آن صورت تصويب مجدد اين گونه مصوبات به دوسوم راي مجلس نياز خواهند داشت.

اولين اثرات فوري شكست جمهوري خواهان، استعفا يا بركناري رامسفيلد، وزير دفاع بوش و مسئول برنامه هاي نظامي آمريكا در عراق است كه سه شنبه شب، بعد از آشكار شدن نتايج انتخابات صورت گرفت. و رييس جمهور با حالتي ناراحت و برافروخته آن را اعلام نمود.

اولين چالش ميان دولت و مجلس به بزودي بر سر راي اعتماد به وزير دفاع جديد بروز خواهد كرد. نامزدي رابرت گيتس به عنوان جانشين رامسفيلد بايد به تصويب مجلس برسد. اما گيتس كه سالها رئيس سازمان سياي آمريكا بوده است، كسي است كه به عنوان رئيس سيا در قضيه كمك به كنترا ها بر عليه دولت ساندنيست ها دست داشت. وي، به رغم عدم تصويب برنامه هاي دولت در حمايت از كنتراها توسط مجلس سنا، با فروش اسلحه به ايران از طريق واسطه ها و دريافت كمك هالي مالي از عربستان و كويت كمك به كنتراها را ادامه داد. با افشاي سفر مك فارلين به ايران و فاش شدن داستان كنتراها، اين موضوع در مجلس آمريكا مطرح و كميسيون مربوطه به رياست سناتور تاور آن را بررسي كرد. انتشار اين اخبار و گزارش ها، طوفاني در آمريكا بر عليه دولت به وجود آورد. احتمالا در هنگام بررسي صلاحيت گيتس، نقش وي در اين پرونده مجددا مطرح خواهد شد و شايد صلاحيت او مورد تائيد قرار نگيرد.

پيروزي دموكرات ها، انعكاس موقعيت نامطلوب بوش و همكارانش در انظار عمومي مردم آمريكا است. اما به اين معنا نيست كه دموكرات ها مطلوب مردم هستند. دموكراسي انتخاب ميان خوب و بد نيست بلكه انتخاب ميان بد و بدتر است. دموكراسي ابزاري براي بيان مواضع و تغيير وضع نامطلوب به وضعي كمتر نامطلوب است.

شكست جمهوري خواهان و استعفاي رامسفلد ، به هرحال، موجب تضعيف موقعيت بين المللي آمريكا و بوش و كاهش اعتبار او خواهد شد.

آمريكا در جنگ عراق متحدان اروپاي و آسيايي خود را، به رغم تمايلشان، به دنبال خود كشيد. مشاركت برخي از كشورهاي اروپايي در عمليات نظامي در عراق موجب تضعيف موقعيت رهبراني نظير بلر در انگلستان، و يا شكست آنها در انتخابات، نظير پيروزي سوسياليست ها در ايتاليا، گرديد.
آيا پيروزي دموكرات ها بر سياست خارجي آمريكا اثري خواهد داشت يا نه؟ سياست هاي راهبردي آمريكا در روابط بين المللي مبتي بر و متاثر از منافع و مصالح امنيت كلان اين كشور تعريف و تعيين شده و شكل گرفته است. با تغيير دولت يا تغيير در بافت نمايندگان مجالس تغيير اساسي پيدا نمي كند. اما ديدگاههاي دو حزب حاكم در چگونگي و پيگيري و تحقق اين سياست ها متفاوت از يكديگر است. برژينسكي، مشاور ارشد شوراي امنيت ملي زمان كارتر، در يك تحقيق جامع اين تفاوت ديدگاها را تحت عنوان سيطره جهاني يا رهبري جهاني مورد بررسي قرار داده است. او با سياست هاي سلطه جويانه مخالف است. اما به رهبري آمريكا در جهان باور دارد.
عملكرد جهاني دولت بوش، نمونه اي از سياست هاي مبتني بر سلطه طلبي است. در اين سياست آمريكا يك جانبه تصميم مي گيرد و آن را به اجراي مي گذارد و كشورهاي دوست و متحد آمريكا را در برابر يك عمل انجام شد قرار مي دهد و به دنبال خود مي كشاند. اين سياست ها منجر به انزواي هر چه بيشتر آمريكا در جهان مي گردد و در دراز مدت به زيان منافع و مصالح آمريكا تمام مي شود. لازمه سياست مبتني بر رهبري، قبول كشورهاي دوست به عنوان شركاي برابر و مشورت دائم، نزديك و گسترده با آنها و اتخاذ تصميمات جهاني است(انتخاب رهبري جهاني يا سلطه برجهان: زيگنيو برژينسكي، ترجمه لطف الله ميثمي.) آنچه برژينسكي تحليل و منتشر كرده است، ديدگاهها و نظرات شخصي اش مي باشد، اما با توجه به موقعيت وي در ميان دموكرات ها، اين نظرات در واقع طرح كلان سياست خارجي دموكرات ها است و به نظر مي رسد كه در شكل گيري مواضع دموكرات ها در مجلس سنا و مجلس نمايندگان و رئيس جمهور آينده دموكرات ها اثر گذار باشد. اين انتخابات احتمال پيروزي دموكرات ها در انتخابات آينده رياست جمهوري را بالا برده است. بحث تعيين نامزد براي انتخابات آينده رياست جمهوري آغاز شده است. اگر دموكرات ها در انتخابات آينده پيروز شوند مي تو ان به تغييرات جدي در سياست خارجي آمريكا اميدوار بود. اما، فعلا تا آن زمان بوش رئيس جمهور است و اوست كه سياست خارجي آمريكا را اعلام و يا هدايت مي نمايد. اما، نبايد فراموش كرد كه تضعيف موقعيت و كاهش اعتبار بوش، به مناسبات دولت وي بامتحدان اروپايي، آسيايي و چين و روسيه اثر گذارده و آن را متعادل خواهد ساخت.
۵: آيا انتخابات اخير بر اوضاع خاورميانه اثر خواهد گذاشت؟ سياست خارجي راهبردي آمريكا حمايت بي قيد و شرط از اسراييل در برابر اعراب و فلسطينيان است. دولت هاي آمريكا، چه دموكرات و چه جمهوريخواه، اكثر قطعنامه هاي شوراي ملل عليه اسراييل را وتو كرده اند و آنهايي را هم كه تصويب كرده اند با برخورداري از حمايت آمريكا از اجراي آنها سر باز زده است. نظير قطعنامه ۲۴۲ در رابطه با تخليه نوار غزه و كرانه هاي باختري رود اردن و يا قطعنامه منع ساخت ديوار حايل.
حاميان اسراييل ، در ميان دموكرات ها نيز به اندازه جمهوري خواهان، وجود دارند، اما، شواهد از تغيير در مواضع دموكرات ها حكايت دارند. دموكرات ها (در زمان كارتر)، موجبات صلح ميان مصر و اسراييل و در نهايت عقب نشيني اسراييل ار صحراي سينا را فراهم ساختند. قرارداد ساف و اسراييل ، كه منجر به استقرار رهبري فلسطين در سرزمين هاي اشغالي در غرب رود اردن گرديد، در زمان دموكرات ها صورت گرفت. اين توافق ها منجر به آن شده است كه امروز تمام نهادهاي بين المللي و افكار جهانيان اصل ضرورت تاسيس يك دولت مستقل فلسطيني در نوار غزه و غرب رود اردن را بپذيرند. اما اسراييل هنوز آن را نپذيرفته و آماده تخليه و عقب نشيني از سرزمين هاي اشغال شده در جنگ ۱۹۶۷ نمي باشد. وقايع سالهاي اخير، مقاومت مردم فلسطين، تمركز و استقرار رهبري در سرزمين هاي اشغالي، تعادل

سياسي را به نفع فلسطينيان تغيير داده است. در انتخابات اخير فلسطين كه تحت نظارت سازمان هاي بين المللي برگزار شد و همگي آزاد و عادلانه بودن آن را تائيد كردند، حماس برنده شد و دولت جديد را تشكيل داد. اما اسراييل نه تنها از شناسائي دولت جديد منتخب مردم فلسطين سرباز زده است بلكه سركوب در نوار غزه را به شدت ادامه ميدهد . مظلوميت مردم فلسطين، مقاومت آنها و استمرار جنايات اسراييل موجب خشم و اعتراض بسياري از مردم جهان و رهبران برخي از كشورها و اعلام محكوميت اسراييل شده است. از جمله اين رهبران جيمي كارتر رئيس جمهور سابق آمريكا است كه در جريان انتخابات اخير فلسطين به عنوان ناظر حضور داشت و آن را تاييد كرد. كارتر در مصاحبه اي اخيرا اسراييل را به خاطر آنچه در نوار غزه مرتكب مي شود محكوم نموده است. اين سخنان كارتر هم بيان نظرات خود او و هم جناحي از دموكراتها است

۶: پيروزي دموكراتها چه تاثيري در عراق خواهد داشت؟

بوش هنگام اعلام استعفاي وزير دفاع به ضرورت تغيير در برنامه هاي عراق اشاره كرد. بنظر مي رسد تغييرات جدي در چگونگي اشغال نظامي عراق صورت گيرد. اما بعيد است كه در كوتاه مدت نيروهاي نظامي خارجي عراق را ترك كنند. محتواي اين تغييرات به واكنش نيروهاي شورش گر و حاميان آنها نيز بستگي دارد. اگر اين نيروها شكست جمهوري خواهان و بركناري رامسفيلد را يك پيروزي براي خود به حساب بياورند و در واكنش به آن بر دامنه شورش گري خود بيافزايند يك نوع پيامد ببار خواهد آورد، و اگر بر عكس، آنها از اين وضعيت جديد براي اعمال فشارهاي سياسي بر نيروهاي اشغالگر به منظور خروج سريعتر از عراق حسن استفاده را بعمل آورند ، پيامدهاي آن به نفع مردم عراق خواهد بود.

۷: پيروزي دموكراتها چه تاثيري بر روابط ايران و آمريكا خواهد داشت؟

ريشه هاي مشكلات اساسي در روابط ايران و آمريكا فراتر از دولت بوش، جمهوري خواهان و يا دموكراتها مي باشد. كودتاي ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حمايت آمريكا در طي ۲۵ سال سركوب استبداد سلطنتي در ايران از يك طرف و اشغال سفارت آمريكا و گروگان گيري كارمندان آن سفارت براي ۴۴۴ روز توسط دانشجويان در ايران، از طرف ديگر، بخشي از ريشه هاي تاريخي تنش ميان ايران و آمريكا است. اما، علاوه بر اين، دولت آمريكا به همراه دولتهاي اروپايي در چهار موضوع با ايران اختلاف دارند كه عبارتند از: فعاليت هاي هسته اي، نقض مستمر حقوق بشر، مخالفت با صلح خاورميانه و حمايت از تروريسم. جمهوري خواهان و دموكرات ها درمورد هر چهار مسئله مواضع مشتركي عليه ايران دارند. دو سال پيش شوراي روابط خارجي آمريكا به يك گرو ۲۲ نفره زير نظر برژينسكي، رابرت گيتس(نامزد فعلي وزارت دفاع) و خانم مالوني، ماموريت داد تا اوضاع ايران را بررسي كنند و گزارشي را ارائه دهند. در گزارش هفتاد صفحه اي اين گروه، مسائل ايران در ابعاد گوناگون چهارگانه بالا مورد توجه و بررسي قرار گرفته است و در نهايت توصيه هايي براي تدوين كنند گان سياست خارجي آمريكا در رابطه با ايران ارائه شده است. بعد از انتخابات اخير توجه به اين گزارش از آن جهت اهميت دارد كه اولا برژينسكي مشاور امنيت كارتر بوده است و دموكراتها به نظرات او توجه مي كنند و ثانيا رابرت گيتس اكنون وزير دفاع آمريكا شده است.

در اين گزارش قطع كامل غني سازي اورانيوم توسط ايران، قرار داد نيروگاه هسته اي بوشهر با روسيه، تحويل سوخت هسته اي و برگشت زباله هاي آن مورد تائيد گرفته است و تجديد نظر در سياست هاي فعلي آمريكا توصيه شده است،و تاكيد گرديده كه تلاش آمريكا براي سرنگوني رژيم ايران نه از داخل و نه از راه حمله نظامي از خارج موفقيت آميز نمي باشد.

اما با توجه به اين واقعيت كه هنوز بوش رئيس جمور آمريكا مي باشد و دموكراتها تنها اكثريت را در كنگره و سنا به دست آورده اند، نبايد از نظر دور داشت كه آنچه اتفاق افتاده است موجب كاهش اعتبار بين المللي او شده است. اين امر

موجب آن خواهد بود که هم دولت آمريكا به راه كارهاي ارائه شده دولتهاي روسيه و چين و اروپا براي حل بحران با ايران نزديك شود و هم اين كشورها با استفاده از اين فرصت و فضاي به وجود آمده، راه حل هاي مستقل از آمريكا را بيش از پيش با جديت پي گيري كنند.

ايران نيز مي تواند با حسن استفاده از فرصت فراهم شده، گام هاي عملي جدي براي كاهش تنش ها و خطرات احتمالي بردارد و را ه حل هاي اختلافات خود با آمريكا را مورد بررسي قرار داده و سياست هاي جديدي را اتخاذ نمايد.

برخي از جناحهاي قدرتمند ايران نيز ممكن است كه چنين تصور كنند كه مي توانند يا ميبايستي از شكست جمهوري خواهان و كاهش اعتبار دولت بوش عليه آمريكا بهره برداري نمود. چنين نگرشي در شرايط كنوني نتيجه مثبتي براي منافع، مصالح و امنيت ملي ايران در پي نخواهد داشت.

اگر ايران واكنش اول را بر گزيند، با توجه به اينكه دموكراتها عموما تماس و مذاكره مستقيم با ايران، براي حل اختلافات و كاهش تنش ميان دو كشور و همچنين كاهش تنش در منطقه بخصوص در عراق را توصيه مي نمايند، ايران مي تواند از اين زمينه براي تاثيرگذاري بر فرايند بهبود روابط ديپلماسي در جهت منافع و امنيت ملي خود و كشورهاي همسايه بخصوص عراق استفاده كند.